

Needs Assessment of Holding Course in Parenting for Women in the City of Kashan According to "Borich and Analysis Quadrant models

Z. S. Athari[†], University of Kashan Faculty of Humanities Department of Educational Sciences
zathari@kashanu.ac.ir

L.dehghankashani, M.A, University of Kashan Faculty of Humanities Department of Educational Sciences

Abstract

The purpose of this research was the needs assessment of holding course of parental for women in Kashan based on Borich model and Quadrant analysis. The statistical population included all the women with diploma in Kashan and experts majoring in education, psychology, sociology and Islamic culture at Kashan universities who were 25366 and 27 people respectively. Using clustered random sampling, 378 subjects were selected as female sample. 21 experts were surveyed by census. The data collection instrument was a researcher-made questionnaire which assessed the women's educational needs taking Borich model in two aspects of importance and ability. Then, quadrant analysis was used in order to adapt needs. Results of Borich model showed that 4 educational needs had the highest priority. Taking quadrant analysis into account, from the women and experts' viewpoint, 21 teaching subjects were proposed with the highest priority two of them were from existence needs, 4 relatedness needs, 8 growth needs and 9 information needs. Comparing the results from two models in order to adapt women and experts' viewpoint revealed that both groups had similar views regarding women's educational needs and they were in agreement. Therefore, considering the results of research holding a family education course with priority educational needs headings is necessary.

Key words: needs assessment, parenting, Borich model, quadrant analysis model, women.

[†] Corresponding author

رویکردهای نوین آموزشی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

سال چهاردهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۰، پائیز و زمستان ۱۳۹۸

ص ۴۵-۶۶ تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۲۶

شناسه دیجیتال (DOI): ۱۰.۲۲۱۰۸/nea.۲۰۲۰.۱۱۲۸۱۷.۱۲۷۶

نیازسنجی برگزاری دوره والدگری برای زنان شهرستان کاشان بر مبنای مدل‌های بوریچ و تحلیل کوادرنانت

زینب سادات، اطهری اصفهانی^۱، استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران

zathari@kashanu.ac.ir

لیلا، دهقان کاشانی، دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران

چکیده

هدف این پژوهش، نیازسنجی برگزاری دوره والدگری برای زنان شهرستان کاشان بر مبنای مدل‌های بوریچ و تحلیل کوادرنانت است. جامعه آماری را زنان دیلمه شهرستان کاشان و متخصصان رشته‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و معارف اسلامی دانشگاه‌های کاشان تشکیل دادند که جمعیت آنها به ترتیب ۲۵۳۶۶ و ۲۷ نفر بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، ۳۷۸ نفر نمونه زنان انتخاب شدند. همچنین ۲۱ نفر از متخصصان به صورت سرشماری هدف پژوهش قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود که نیازهای آموزشی زنان را بنابر مدل بوریچ از دو بعد اهمیت و توانایی سنجش می‌کرد؛ سپس به منظور تطبیق نیازها از تحلیل کوادرنانت استفاده شد. نتایج مدل بوریچ نشان داد از دیدگاه زنان ۴ نیاز آموزشی در اولویت بودند. با توجه به تحلیل کوادرنانت، از دیدگاه زنان و متخصصان ۲۱ موضوع آموزشی، با بیشترین اولویت مطرح شدند که ۲ نیاز آموزشی از نیازهای زیستی، ۴ نیاز تعلق، ۸ نیاز رشد و ۷ نیاز اطلاعاتی بودند. مقایسه نتایج حاصل از دو مدل نشان داد که هر دو گروه دارای دید یکسانی درباره نیازهای آموزشی زنان بودند و باهم توافق داشتند؛ بنابراین بنابر نتایج حاصل از پژوهش برگزاری دوره والدگری با سرفصل‌های نیازهای آموزشی اولویت‌بندی شده ضرورت دارد.

واژه‌های کلیدی: نیازسنجی، والدگری، مدل بوریچ، مدل تحلیل کوادرنانت، زنان.

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

خانواده مهم‌ترین پرورشگاه فرد و یکی از نهادهای آموزشی و پرورشی بنیادی جامعه (به‌پژوه، ۱۳۸۹: ۱۰) و اولین بافتی است که فرزندان در آن فکر، احساس و رفتار می‌کنند، یاد می‌گیرند و تحول می‌یابند (زاپوسنیک^۱، هرویس^۲ و شوارتز^۳، ۲۰۰۳). والدین، طبیعی‌ترین مربیان فرزندان هستند و مهم‌ترین نقش در آماده‌سازی آنها برای رویارویی با تنش‌ها و ابهامات زندگی را دارند (راینسون^۴، اسمیت^۵ و دیویس^۶، ۲۰۱۷). آنها اولین کسانی هستند که با کودک ارتباط برقرار می‌کنند و تأثیرگذارترین برخوردها و تعاملات را در شکل‌گیری ساختار زندگی آینده فرزندان دارند (چو و لی^۷، ۲۰۱۷). از نگاه دین اسلام نیز خانواده مسئول تربیت فرزند شناخته شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، دور نگه دارید» (تحریم/۶). نگهداری خانواده به‌معنای تعلیم و تربیت و فراهم‌ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است. این برنامه باید در تمام مراحل زندگی، به‌ویژه در تربیت فرزندان، با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت دنبال شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۹۴). پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «لَنْ يُؤَدَّبَ الرَّجُلُ وَكَلَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ كُلَّ يَوْمٍ بِنِصْفِ صَاعٍ؛ اگر کسی فرزندش را نیکو تربیت نماید، برای او بهتر از آن است که روزانه نصف صاع (یک کیلوونیم از هر جنس) بخشش کند»؛ همچنین از نظر ایشان بهترین دوستی و احترام فرزند، تربیت کردن اوست و باز می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛ احترام کنید فرزندانان را و نیکو تربیتشان نمایید، خداوند مهربان شما را می‌آمرزد» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۲۲).

به لحاظ اهمیت تأثیرات خانواده باید برای تربیت صحیح فرزندان محیط خانواده را از هر جهت مهیا و مناسب حالشان ساخت تا همسو با انتظارات از آنها در آینده پرورنده شود؛ یعنی بدون برنامه و آمادگی لازم نمی‌توان انتظار داشت کودک بسیار خوب تربیت شود؛ پس برای تربیت صحیح باید خود و خانواده را برای این کار مجهز کرد. بدین ترتیب اهمیت و جایگاه خانواده در تربیت مشخص می‌شود. اما آنچه در اینجا مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان این نهاد مقدس را به‌معنای حقیقی خود، آن‌طور که شایسته است برای فرزندان و سایر اعضای خانواده آماده و مجهز ساخت؟ در جواب باید گفت که بهترین راه در این امر آموزش به افراد خانواده است (اسمیت و ولز^۸، ۱۹۹۷). لزوم آگاهی‌یافتن از ملاک‌ها و ضوابط رفتار صحیح از مهم‌ترین ضروریات در انجام وظایف تربیتی والدین بالأخص مادران است (نادری مهکی، ۱۳۸۹: ۵۴).

در بین اعضای خانواده، مادر در جایگاهی است که می‌تواند به‌گونه‌ای رفتار کند که نتیجه آن هدایت رفتار فرزند باشد. اصلاح رفتاری والدین از جمله مادر، پیش‌نیازی بر اصلاح رفتار فرزند است. ضمناً مادر باتوجه‌به اینکه بیشترین وقت خود را با

۱- Szapocznik

۲- Hervis

۳- Schwartz

۴- Robinson

۵- Smith

۶- Davies

۷- Chou & Lee

۸- Smith & Wells

فرزند سپری می‌کند، تأثیر آن روی رفتار فرزند به مراتب بیشتر از تأثیر روابط دیگران بر فرزندان است. از این رو آموزش زنان و مادران امری ضروری است (سعادت‌مند، ۱۳۹۱: ۲۹). آموزش به زنان به افزایش آگاهی از حقوق، مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه کمک می‌کند و آنها را قادر می‌سازد تا به توانایی‌های بالقوه خود پی ببرند و به توسعه مهارت‌ها بپردازند، کارایی کنند و شرایط سلامتی و تغذیه خود را بهبود بخشند. آموزش زنان موجب کاهش آمار مرگ و میر کودکان و مادران می‌شود. بنابراین، تحصیل زنان نه تنها میزان مشارکت آنها را در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افزایش می‌دهد، موجب استقلال اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی زنان و خانواده آنها می‌شود که به نوبه خود موجب افزایش سلامت در کل جامعه می‌شود (بهرامی و اعتمادی، ۱۳۹۱: ۳۶). در واقع سواد مادران، توانایی آنها را در امر تعلیم و تربیت فرزندان و میل و رغبت آنها را در جهت جستجو برای یافتن مناسب‌ترین روش‌های پرورش فرزندان افزایش می‌دهد. علاوه بر این، سواد می‌تواند توانایی آنان را در ترکیب کردن اطلاعات افزایش دهد و در نهایت به تصمیم‌گیری مناسب برای دستیابی به اهداف بینجامد (فینستین^۱، ۲۰۰۶: ۳).

شیوه فرزندپروری والدین روش‌هایی است که برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و نشان‌دهنده نگرش‌ها و رفتارهایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند (لین و ویلی^۲، ۲۰۱۷). والدین در تربیت فرزندان خود برای ارتقای توانایی خود در زمینه مدیریت رفتارهای چالش‌برانگیز، مسائل تربیتی و روان‌شناسی به آموزش‌های مدون نیاز دارند. همچنین لازم است این آموزش‌ها به صورت برخط در اختیار والدین قرار گیرد؛ زیرا آنها به طور مداوم به آموزش باکیفیت و مناسب نیاز دارند (هربرت و کولکین^۳، ۲۰۱۸). در واقع آموزش‌هایی که والدین نیاز دارند، با توجه به پیشرفت جامعه بسیار متنوع است. برای آموزش والدین لازم است در هر شهر و منطقه‌ای نیازهای آموزشی آنان، به طور دقیق شناسایی و اولویت‌بندی شوند تا براساس اولویت‌ها برنامه آموزشی اولیا طراحی شود. در آن صورت است که برنامه‌های آموزشی مفید واقع می‌شود و کاملاً منطبق با نیازهای والدین است. در بین عوامل مختلفی که در پرورش شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان مؤثرند، تأثیرات متقابل کودکان و والدین و نحوه برخورد و رابطه والدین و کودک از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شود (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۲: ۱۴).

مسئله این است که فرایند آموزش زنان در ادوار گذشته و تا به امروز منجر به رشد نامتعادل^۴ وضعیت اجتماعی زنان در کشور شده است. علاوه بر آموزش‌های معطوف به علم‌آموزی و ارتقای سطح دانشی زنان، حتی آنجا که آموزش زنان با هدف کاربردی و مهارت‌افزایی نیز مدنظر متولیان قرار گرفته، در آنها همواره نوعی رویکرد گزینشی وجود داشته است و مهارت‌افزایی زنان بیشتر از آنکه بر اساس نیازمندی‌های جامعه زنان رخ دهد، اغلب برمبنای ضرورت افزایش بهره‌وری

۱- Feinstein

۲- Lin & Wiley

۳- Hebert & Kulkin

۴- Caricature

اقتصادی و تحقق توسعه اقتصادی رقم خورده است؛ این امر موجب شده است که نسبت به ضرورت آموزش زنان در کسب مهارت‌های مرتبط با نقش‌های مختلف آنها (همسری و مادری) غفلت صورت گیرد (صادقی و خادمی، ۱۳۹۵: ۱۹۳).

اگر بین نیازهای واقعی زنان با آنچه دیگران نیاز تشخیص می‌دهند، تطابق وجود نداشته باشد، آموزش مؤثر شکل نمی‌گیرد؛ بنابراین قبل از هر آموزشی باید نیازها را تشخیص داد و سپس آموزشی مناسب را ارائه داد (دیویدسن^۱، ۲۰۰۵). در واقع نخستین و اساسی‌ترین گام در طراحی و برگزاری فعالیت‌های آموزشی اثربخش، برنامه‌ریزی صحیح و مبتنی بر فرایند نیازسنجی^۲ است (ریویر^۳، ۲۰۰۱). نیازسنجی عبارت است از فرایند جمع‌آوری و ایجاد توافق بین نظر افراد و گروه‌ها در خصوص نیازهای آنان. تعیین نیاز آموزشی، نقطه آغازین هر نوع آموزشی است و تدوین برنامه‌های آموزشی به سنجش و شناسایی نیازها وابسته است (توماس و دیویس^۴، ۲۰۰۶). در فرایند نیازسنجی، واقعیت‌های تربیتی مطالعه و کشف می‌شوند و با نیازهای اساسی برگرفته از اعتقادات، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های کلی نظام آموزشی تلفیق و درنهایت نیازهای منسجم و یکپارچه مشخص می‌شوند؛ این مجموعه نیازها اساس تعیین هدف را به وجود می‌آورند. هر قدر هدف‌ها با نیازها رابطه منطقی‌تر و قوی‌تری پیدا کنند، اعتبار بیشتری خواهند داشت (ملکی، ۱۳۸۸: ۱۱۷). از نظر مک‌کلند^۵ (۱۹۹۲) نیازسنجی آموزشی به سازمان‌ها کمک می‌کند که سطوح دانش و مهارت اعضای خود را آزمایش کنند.

در واقع نیازسنجی با شناسایی نیازهای مهم، مبنایی برای تعیین اهداف و بستر مناسبی برای سازمان‌دهی سایر عناصر مهم، حول نیازهای اولویت‌یافته را فراهم می‌سازد. اصولاً هر تکنیک نیازسنجی بر تعریف خاصی از نیازها و قلمرو و حدود آن مبتنی است؛ از این رو ضرورت دارد که نظریات و عقاید مختلف در ارتباط با مفهوم نیاز و در نتیجه نیازسنجی مورد بررسی قرار گیرد (عصاره و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹). بر این اساس در پژوهش حاضر، با نگاه به نظریه نیاز زیستی، ارتباط و رشد (ERG^۶) از آلدرفر^۷ به شناسایی و تعیین نیازهای زیستی، تعلق و رشدی فرزندان برای آموزش در دوره تربیت و پرورش خانواده پرداخته می‌شود. آلدرفر نیازهای انسان را در سه طبقه دسته‌بندی می‌کند: ۱- نیازهای زیستی که برای ادامه حیات به مواد اولیه مربوط می‌شوند و شامل نیازهای جسمی (فیزیولوژیکی) و امنیتی مازلو^۸ هستند؛ ۲- نیازهای تعلق یا داشتن ارتباط با دیگران که از نوع نیاز اجتماعی است و داشتن مقام یا پایگاه در اجتماع مستلزم رابطه شخصی با دیگران است و در زمره نیاز به احترام و تعلق مازلو قرار دارد و ۳- نیازهای رشد، یعنی رغبت و علاقه درونی فرد برای رشد و نمو که مرتبط با به نیاز خودشکوفایی مازلوست (رابینز^۹، ۱۹۹۸: ۳۶۶).

۱- Davidson

۲- Needs Assessment

۳- Reviere

۴- Thomas & Davis

۵- Mc Celand

۶- Existance, relatedness, growth theory(ERG)

۷- Alderfer

۸- Maslow

۹- Robbins

نظر به اینکه سواد اطلاعاتی مادران مسئله روز و نیاز مبرم آنهاست، در بحث نیازسنجی علاوه بر نیازهای مذکور، نیاز سواد اطلاعاتی نیز مدنظر قرار می‌گیرد. سواد اطلاعاتی مجموعه‌ای از دانش و مهارت‌های ضروری برای تشخیص اطلاعات لازم به منظور حل مسئله و سپس مکان‌یابی، درک، ارزیابی و استفاده از این اطلاعات به صورت مؤثر و کارا در چهارچوب مقتضیات قانونی و اخلاقی است (رگا و رانی^۱، ۲۰۱۶)؛ به طوری که ارتباطات سالم در فضای مجازی و لزوم هوشیاری خانواده نسبت به تهدیدات فضای سایبری در اولویت نخست قرار دارد. پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی و توجه والدین به رفتار فرزندان بسیار مهم است و برای جلوگیری از فروپاشی خانواده، والدین باید تا حدودی به فناوری‌های روز دنیا مسلط باشند و بدانند که تغییر در رفتار فرزندان به معنای ایجاد تغییر در طرز فکر آنهاست و هنگامی که بنیان فکری و شخصیت آنها به صورت ناصحیح شکل گیرد، راه نفوذ به حریم خصوصی افراد و محیط امن خانواده باز می‌شود؛ بنابراین چنانچه خانواده نسبت به شیوه‌های جدید ارتباط فرزندان، خودآگاهی و شناخت کافی و لازم را داشته باشند، از بروز بسیاری از آسیب‌ها جلوگیری به عمل می‌آید (شجاعت و عرفانی، ۱۳۹۷: ۶۲).

مسئله این است که با وجود اطلاعات نامنظم و پراکنده‌ای که زنان و مادران درباره والدگری دارند، به نظر می‌رسد آنان به آموزش‌های بیشتر و مؤثرتری در این زمینه نیاز دارند. مطمئناً زنان، بخش عمده جمعیت کشورند که هم در تولید، توزیع، انتشار دانش و فناوری نقش بسزایی دارند و هم نقش محوری در پرورش و تربیت فرزندان دارند. به طوری که بسیاری از نابه‌سامانی‌ها و مشکلات جامعه نشان می‌دهد خانواده و به خصوص زنان در زمینه تربیت فرزند با اشکالاتی روبه‌رو هستند که ریشه این مسئله را باید در نبود آموزش‌های مؤثر و کارآمد جستجو کرد. بر همین اساس ضرورت نیازسنجی برای برگزاری دوره آموزشی والدگری لازم است. بنابراین در پژوهش حاضر با توجه به اهمیت و جایگاه زنان و مادران در والدگری، پژوهشگر درصدد تعیین نیازهای آموزشی دوره والدگری برای زنان شهرستان کاشان برمبنای مدل‌های بوریچ و تحلیل کوادرنانت است.

پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش زنان و مادران، از جمله بخشی و خرمایی (۱۳۹۷)، چراغی و همکاران (۱۳۹۶)، تاج‌آبادی و کارگریان (۱۳۹۴)، بهرامی و اعتمادی (۱۳۹۱)، نقاش (۱۳۷۳) نشان داد والدین اصلی‌ترین منبع آموزش به فرزندان محسوب می‌شوند و برنامه‌های آموزشی متخصصان برای والدین به ویژه مادران منجر به افزایش مهارت و اطمینان والدین می‌شود. به اعتقاد کاویانی‌فر و احمدی وفا (۱۳۹۶)، منتظر قائم و حاجی کاظم طهرانی (۱۳۹۳)، حکیم زاده و همکاران (۱۳۹۳)، حسین و اسلام^۲ (۲۰۱۲)، بیکر^۳ (۲۰۱۱)، بوکینگام^۴ و همکاران (۲۰۰۴) زنان با فناوری اطلاعات و ارتباطات آشنایی لازم را ندارند و منابع معتبر و جدید برای جستجوی اطلاعات و رفع نیازهای اطلاعاتی خود ندارند. آنان

۱- Regha & Rani

۲- Hossain & Islam

۳- Bakar

۴- Buckingham

درزمینه سواد اطلاعاتی فاقد زیرساخت‌های لازم هستند و در این زمینه نیازمند اطلاعات هستند. آموزش سواد رسانه‌ای مادران، مهم‌ترین عامل در انتخاب استراتژی کنترلی بر مصرف تلویزیون‌های ماهواره‌ای نوجوانان است. نداشتن سواد رسانه‌ای مادران بر شیوه کنترل مصرف رسانه‌ای نوجوانانشان تأثیرات نامناسبی می‌گذارد؛ بنابراین وجود آموزش‌های لازم در این زمینه برای زنان ضروری است. مبردی، حسن‌پور ازغدی و امیری فراهانی (۱۳۹۶) و نظری (۱۳۹۴) نشان دادند میزان آگاهی و نگرش مادران نسبت به تربیت جنسی، ازدواج و مسائل مرتبط با بهداشت جسمی فرزندان متوسط است؛ بنابراین تدوین محتوای آموزشی مناسب و راهکارهایی برای افزایش آگاهی و نگرش مادران ضروری به نظر می‌رسد.

از نظر ملایی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) و نبوی و اسماعیلی (۱۳۹۵) آگاهی و عملکرد مادران درباره روند رشد و مراحل تکامل تغذیه‌ای مناسب نیست و باید دانست آموزش مادران درزمینه نیازهای تغذیه و نیاز مهارت‌های حرکتی از اولویت ویژه‌ای در حوزه سلامت جسمانی برخوردارند. یافته‌های تحقیق اکرمی و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان داد مادران درزمینه تعلیم و تربیت اسلامی فرزندان خود به آموزش و مشاوره نیاز دارند. شهریاری و همکاران (۱۳۹۲) می‌گویند زنان درزمینه مهارت‌های فرزندپروری، مدیریت مالی، مهارت‌های ارتباطی و ارتقای بهداشت روانی خود و اعضای خانواده به آموزش بیش از سطح متوسط نیاز دارند. ترنر^۱ و همکاران (۲۰۰۷) گفته‌اند برنامه آموزشی والدین باعث رشد سازگاری کودکان و کاهش مشکلات رفتاری آنان می‌شود و آموزش والدین به آنها کمک می‌کند تا در برخورد با مشکلات رفتاری فرزندان خود اقدامات مناسبی انجام دهند. همچنین به نظر پاملا^۲ و دیویس^۳ (۲۰۰۵) آموزش والدین از طریق ارتباط با باورها و رفتار والدین در پیشرفت تحصیلی کودکانشان مؤثر است.

باتوجه به مطالب مطرح شده، زنان و مادران برای ایفای نقش به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر فرایند والدگری نیازمند انواع ویژه‌ای از شناخت‌ها و آگاهی‌ها در ابعاد گوناگون هستند؛ که شناسایی این اطلاعات لازم از راه نیازسنجی فراهم می‌شود. گفتنی است این نیازها در هر منطقه و فرهنگی متفاوت است. بر همین اساس ضرورت نیازسنجی برای برگزاری دوره آموزشی والدگری برای زنان شهرستان کاشان لازم است. با این اوصاف، در راستای اهداف پژوهش حاضر، سؤالات زیر مطرح می‌شود:

۱- نیازهای زیستی، تعلق، رشد و سواد اطلاعاتی فرزندان از دیدگاه زنان برای آموزش در دوره والدگری بر مبنای مدل بورویچ چیست؟

۲- نیازهای زیستی، تعلق، رشد و سواد اطلاعاتی فرزندان از دیدگاه زنان و متخصصان برای آموزش در دوره والدگری بر مبنای مدل تجزیه و تحلیل کوادرنانت چیست؟

۳- مقایسه یافته‌های حاصل از مدل کوادرنانت و مدل بورویچ چه نتایجی را نشان می‌دهد؟

۱-Turner

۲-Pamela

۳-Davis

روش تحقیق

روش‌های گوناگونی برای سنجش نیازهای آموزشی وجود دارد که هر یک ویژگی‌ها و کاستی‌هایی دارند؛ بنابراین در ارزیابی از نیازها از روش‌هایی باید استفاده کرد که تعادلی بین توانمندی‌ها و ضعف‌های آنها وجود داشته باشد (موری^۱، ۲۰۰۸). یکی از جامع‌ترین مدل‌های ارزیابی نیازهای آموزشی، مدل ارزیابی نیازهای آموزشی بوریچ^۲ است (کونکلین^۳ و همکاران، ۲۰۰۳). مدل بوریچ، مدل خودارزیابی است که به قضاوت آموزشگران از توانایی‌های حرفه‌ای خودشان در دو بعد اهمیت و توانایی تکیه می‌کند. بوریچ نیاز آموزشی را فاصله بین هدف آموزشی و عملکرد مربوط به آن هدف تعریف می‌کند. به نظر بوریچ مفهوم اصلی این مدل تعیین تناسب بین وضعیت کنونی و اقدامات بایسته در آینده است. همچنین او پیشنهاد کرد که برنامه‌های آموزشی در دو وضعیت می‌توانند از این مدل استفاده کنند: رفتارها، مهارت‌ها و شایستگی‌های آموزشی اندازه‌گیری شده چیست و چه چیزی باید اهداف برنامه آموزشی باشد. اختلافات بین این دو می‌تواند برای اندازه‌گیری اثربخشی برنامه‌های آموزشی استفاده شود، همچنین داده‌های قابل دفاعی در شناسایی موضوعات مهمی فراهم می‌کند که در آنها نیاز به دانش بیشتر را آشکار می‌سازد (بوریچ، ۱۹۸۰: ۳۹).

به منظور تطبیق نیازهای آموزشی از دیدگاه آموزشگران و کارشناسان از تحلیل کوادرنانت استفاده می‌شود. مدل کوادرنانت احتمال خطا در نیازسنجی را کاهش می‌دهد؛ زیرا قضاوت دوسویه درباره نیازهای آموزشی وجود دارد. گابل، پچيون و گیلانگ^۴ (۱۹۸۱) مدل تحلیل کوادرنانت را ایجاد و تدوین کرده‌اند. فرض مدل کوادرنانت این است که مخاطبان نیازسنجی دارای دو دسته نیاز محسوس و غیرمحسوسند که خود قادر به تشخیص نیازهای محسوس خویش هستند، اما نیازهای غیرمحسوس آنان را باید متخصصان تشخیص دهند (ویت کین^۵، ۱۹۸۴). این مدل برای مشخص کردن نقاط اشتراک دیدگاه آموزشگران و کارشناسان در زمینه نیازهای آموزشی به کار می‌رود. این نقاط اشتراک، موضوعات آموزشی هستند که از هر دو دیدگاه اولویت بالایی را کسب کرده‌اند (گابل، پچيون و گیلانگ، ۱۹۸۱). این مدل شامل سه مرحله است: شناسایی و تعیین شایستگی‌ها، محاسبه تفاوت‌ها و اولویت‌بندی این شایستگی‌ها (امفادی^۶، ۲۰۰۱). این تحقیق به لحاظ هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از نظر روش و ماهیت گردآوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دو گروه است:

۱- متخصصان در حوزه علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و معارف اسلامی و از استادان دانشگاه کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی کاشان و دانشکده فنی دختران کاشان هستند. متخصصان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر باید اهل کاشان بوده و یا بیش از ۱۰ سال در دانشگاه‌های کاشان تدریس داشته باشند. از این جامعه به دلیل محدودیت تعداد آنها به صورت

۱- Mulroy

۲- Borich

۳- Conklin

۴- Gable, Pecheon & Gillung

۵- Witkin

۶- Mfadi

سرشماری نمونه‌گیری شده و تعداد ۲۱ نفر^۱ در پژوهش شرکت کرده‌اند. در جدول ۱، جامعه و حجم نمونه متخصصان به تفکیک رشته تدریس گزارش شده است.

جدول ۱: توزیع حجم جامعه و نمونه متخصصان به تفکیک رشته تدریس

رشته	فراوانی در جامعه	فراوانی در نمونه
علوم تربیتی	۸	۷
روان‌شناسی	۹	۶
جامعه‌شناسی	۶	۵
معارف اسلامی	۴	۳
جمع	۲۷	۲۱

۲- کل زنان شهرستان کاشان در محدوده سنی ۶۰ - ۲۰ سال که دارای تحصیلات دیپلم بوده و ادامه تحصیل نداده‌اند. حجم جامعه زنان به نقل از مرکز آمار ایران براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، ۲۵۳۶۶ نفر بود. از این تعداد با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه زنان ۳۷۸ نفر برآورد شد. نمونه آماری مذکور با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شد. در جدول ۲ جامعه و حجم نمونه زنان به تفکیک سن ارائه شده است.

جدول ۲: توزیع حجم جامعه و نمونه زنان به تفکیک سن

سن	فراوانی در جامعه	فراوانی در نمونه
۲۰ تا ۲۹ سال	۸۷۸۰	۴۲
۳۰ تا ۳۹ سال	۱۰۳۴۹	۲۳۶
۴۰ تا ۴۹ سال	۴۰۹۰	۸۷
۵۰ تا ۶۰ سال	۲۱۴۷	۱۳
جمع	۲۵۳۶۶	۳۷۸

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بوده است. براساس هدف این پژوهش، با بررسی اسناد، متون مختلف و با توجه به طبقه‌بندی نیازهای آلدرفر و همچنین نیاز سواد اطلاعاتی، چهار مؤلفه اصلی برای سؤالات پرسشنامه انتخاب شد؛ سپس سؤالات مقیاس اندازه‌گیری به صورت اولیه با مرور پیشینه نظری و متون علمی و همچنین پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه طراحی شد و در مراحل مختلف به کمک متخصصان بازنگری و پیشنهادهای اصلاحی روی آن اعمال شد تا پس از تأیید نهایی و اجرای مقدماتی، پرسشنامه نهایی برای اجرای اصلی آماده شد. سؤالات این پرسشنامه مرکب از ۶۳ گویه بود

که با توجه به نظریه آلدرفرو «نیاز روز جامعه» در ۴ مؤلفه «نیازهای زیستی»، «تعلق»، «رشد» و «سواد اطلاعاتی» طراحی شد. مقیاس سؤالات از دو جنبه میزان اهمیت و ضرورت نیاز و میزان توانایی و عملکرد افراد و بر مبنای طیف پنج درجه‌ای لیکرت بود. روایی صوری پرسشنامه را متخصصان تأیید کردند. با اجرای مقدماتی پژوهش بر ۴۰ نفر از زنان و با توجه به تحلیل عاملی تأییدی و استفاده از نرم افزار AMOS^{۲۲} روایی سازه نیز تأیید شد. برای تعیین میزان پایایی و همسانی درونی گویه‌های پرسشنامه به کمک نرم افزار SPSS^{۲۲} از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ در کل مقیاس ۰,۹۶۴ به دست آمد.

به منظور اجرای پژوهش و گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ها بین زنان توزیع شد. به همین منظور شهر کاشان به ۵ منطقه تقسیم شد؛ از میان مناطق مختلف شهر کاشان تعدادی مدرسه در مقاطع مختلف دخترانه و پسرانه (مهدکودک، ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم) انتخاب شد؛ سپس با هماهنگی مدیر مدرسه و شرکت در جلسه اولیا و مربیان، پرسشنامه‌های پژوهش به صورت تصادفی در میان زنان و مادرانی که دیپلم داشته اما ادامه تحصیل نداده‌اند، توزیع شد. همچنین از آنان خواسته شد اگر در خانواده یا آشنایان خود زنان دارای همین شرایط را معرفی کنند تا پرسشنامه در اختیار آنان نیز قرار گیرد. از افراد مذکور خواسته شد که هر نیاز آموزشی را دوبار رتبه‌بندی کنند. به این ترتیب که نخست، میزان اهمیت و ضرورت هر نیاز آموزشی را در مقیاس پنج گزینه‌ای (نمره ۱ برای اصلاً مهم نیست تا نمره ۵ برای خیلی مهم) رتبه‌بندی کنند، سپس دو گروه میزان توانایی و عملکرد زنان را باز هم در هر نیاز آموزشی بر اساس یک مقیاس پنج گزینه‌ای (از نمره ۱ برای ناتوانایی در عملکرد تا نمره ۵ برای خیلی توانا) رتبه‌بندی کردند. با استفاده از مدل ارزیابی نیازهای بوریچ، اولویت هر ۶۳ نیاز آموزشی از دیدگاه زنان مشخص شد. به عبارت دیگر، در مدل بوریچ از پاسخ‌دهنده دو سؤال پرسیده می‌شود: ۱- میزان دانش و اطلاعات فرد درباره مهارت و شایستگی ۲- میزان اهمیت مهارت و یا شایستگی سؤال شده برای فرد (بوریچ، ۱۹۸۰: ۴۰). سپس از طریق فرمول‌های زیر میزان نیازهای آموزشی برآورد می‌شود:

$$MWDS^1 = (I - C) * mI$$

I: اهمیت هریک از موضوعات آموزشی

MWDS: نمره اولویت

mI: میانگین اهمیت هریک از موضوعات آموزشی.

C: مهارت افراد در زمینه هریک از موضوعات آموزشی

در این مدل، موضوع‌های آموزشی که نمره اولویت آنها بیش از چهار باشد، بیشترین نیاز به آموزش را دارند؛ موضوع‌هایی که نمره اولویت آنها بیشتر از سه و دو باشد، جزو نیازهای آموزشی نیست، اما به تقویت نیاز دارند و موضوع‌هایی که نمره اولویت آنها زیر دو باشد، نیاز به آموزش ندارند (احمدوند و احمدی کیش، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

در مرحله دوم پژوهش، برای تطبیق نیازهای آموزشی از دیدگاه زنان و کارشناسان از تحلیل کوادرنانت استفاده شد؛ یعنی میزان برابری و یا نابرابری نیازهای آموزشی از دیدگاه زنان و کارشناسان سنجیده شد. بدین منظور پرسشنامه‌ای مانند آنچه در اختیار زنان گذاشته شد، در اختیار متخصصان قرار داده می‌شود و آنان با استفاده از طیف لیکرت، میزان اهمیت هریک از محورهای آموزشی را برای زنان و همچنین میزان مهارت آنان را از دیدگاه خود مشخص می‌کنند، سپس تفاوت نمره اهمیت و مهارت برای هریک از محورهای آموزشی از دید متخصصان محاسبه می‌شود (اربعین و زرافشانی، ۱۳۹۰). در تحلیل کوادرنانت، از ماتریس ۲×۲ استفاده می‌شود که یک بعد آن، تفاوت نمره اهمیت و مهارت هریک از موضوعهای آموزشی را از دید متخصصان و کارشناسان نشان می‌دهد. نتایج این مدل را می‌توان در قالب نمودار پراکنش نشان داد که با استفاده از میانگین دو متغیر، ماتریس به ۴ ربع تقسیم می‌شود و در نهایت محورهای آموزشی در این چهار ربع قرار می‌گیرند.

ربع ۱: اختلاف نمره اهمیت و مهارت بالا، برای هر دو گروه؛

ربع ۲: اختلاف نمره اهمیت و مهارت بالا، برای زنان و اختلاف نمره اهمیت و مهارت پایین، برای متخصصان؛

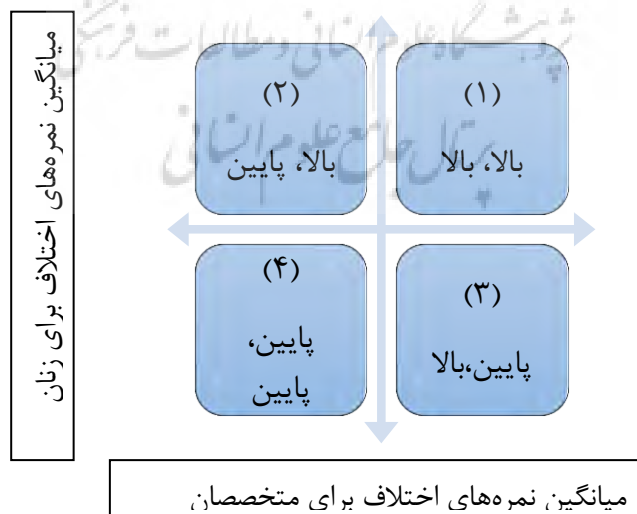
ربع ۳: اختلاف نمره اهمیت و مهارت پایین، برای زنان و اختلاف نمره اهمیت و مهارت بالا، برای متخصصان؛

ربع ۴: اختلاف نمره اهمیت و مهارت پایین، برای هر دو گروه هست.

بدین ترتیب محورهایی که در ربع نخست قرار می‌گیرند، اولویت‌های آموزشی‌اند و محورهایی که در ربع ۲ و ۳ قرار می‌گیرند، جزو اولویت‌های آموزشی نیستند، اما به تقویت نیاز دارند و محورهایی که در ربع ۴ قرار می‌گیرند، به آموزش نیازی ندارند (ویت کین، ۱۹۸۴).

سرانجام طبق نمودار ۱، نیازهای آموزشی زنان برای تربیت فرزندان در این چهار ربع براساس میزان نمره اختلاف به

ترتیب از بالا به پایین رتبه‌بندی خواهد شد.



نمودار ۱: ماتریس مدل تحلیل کوادرنانت (گابل، پچیون و گیلانگ، ۱۹۸۱: ۱۰)

در گام بعدی، نتیجه‌های مدل بورپیج با نتیجه تحلیل کودرانت مقایسه می‌شوند. هدف از این مقایسه پی‌بردن به اشتراک هر دو دیدگاه درباره نیازهای آموزشی زنان برای دوره والدگری است. برای شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی زنان در دوره والدگری از منظر زنان و متخصصان با استفاده از دو مدل بورپیج و تحلیل کوادرانت، از نرم‌افزار Excel استفاده شده و تمام مراحل و گام‌های این مدل در این نرم‌افزار انجام شد.

از آنجا که رعایت اصول اخلاقی در تمامی مراحل پژوهش قابل چشم‌پوشی نیست، در این تحقیق نیز ملاحظات اخلاقی رعایت شده است؛ از جمله اینکه: پس از اخذ مجوزهای لازم برای توزیع پرسشنامه، اطلاعات کافی در مورد موضوع و نحوه کار به پاسخگویان ارائه شده است. پاسخگویی به سئوالات با کسب رضایت آگاهانه و داوطلبانه پاسخگویان بوده و هیچ‌گونه بار مالی برای آنان نداشته است. حفظ حریم خصوصی و شخصی افراد و رعایت امانت‌داری در اطلاعات اخذ شده، گمنام‌ماندن هویت افراد شرکت‌کننده و همچنین احترام به حقوق افراد، کرامت انسان و تنوع باورها و عقاید از دیگر ملاحظات اخلاقی رعایت شده در این پژوهش است.

یافته‌ها

۱- نیازهای زیستی، تعلق، رشد و سواد اطلاعاتی فرزندان از دیدگاه زنان برای آموزش در دوره والدگری بر مبنای مدل بورپیج چیست؟

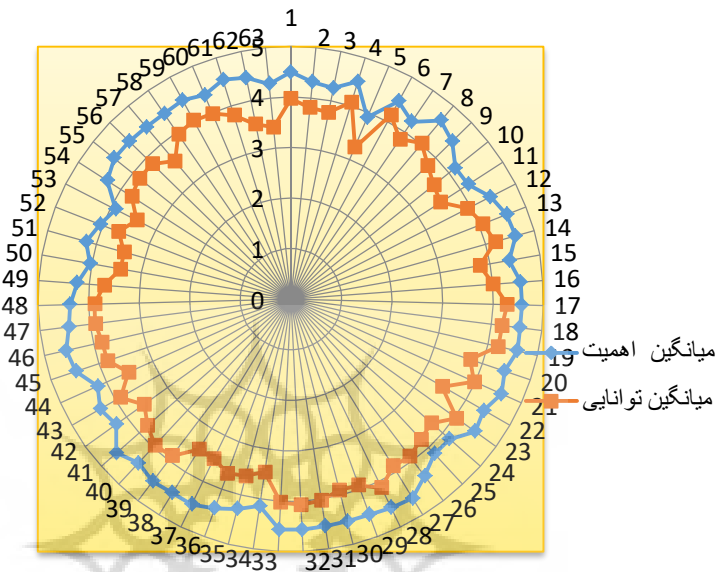
در پاسخ به سؤال اول پژوهش، جدول ۳ اولویت‌بندی نیازهای آموزشی را از دیدگاه زنان بر مبنای مدل بورپیج نشان می‌دهد:

جدول ۳: شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی با نمره اولویت بالا و نیازمند آموزش از دیدگاه زنان

rank	MWDS	I	C	نوع نیاز	نیازهای آموزشی
۱	۴,۴۵	۴,۴۹	۳,۴۸	رشد	توانایی شناخت استعداد فرزندان برای انتخاب شغل
۲	۴,۴۱	۴,۵۱	۳,۵۱	رشد	توانایی شناخت استعداد فرزندان برای انتخاب رشته تحصیلی
۳	۴,۲۰	۴,۴۱	۳,۴۶	تعلق	توانایی راهنمایی فرزندان برای انتخاب همسر
۴	۴,۱۴	۴,۴۷	۳,۵۳	سواد اطلاعاتی	توانایی تشخیص سایت‌های مناسب و معتبر از سایت‌های غیرمعتبر برای فرزندان

نیازهای مطرح شده در جدول ۳، دارای نمره بالاتر از ۴ بوده و اینها نیازهایی با بالاترین اولویت آموزشی هستند. نیازهای آموزشی که بر مبنای مدل بورپیج دارای نمره اولویت ۴ - ۲ هستند؛ نیازهایی هستند که از اولویت مهم آموزشی نیست، اما نیازمند تقویت و آموزش بیشتر است. ۵ اولویت اول این نیازهای آموزشی به ترتیب عبارت‌اند از: ۱- کسب مهارت‌های مناسب برای نظارت بر استفاده مطلوب فرزندان از اینترنت، ۲- توانایی یافتن منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی حاوی اطلاعات لازم برای فرزندان، ۳- توانایی آموزش «نه» گفتن به فرزندان، ۴- مهارت استفاده از کامپیوتر، ۵- مهارت در پیشگیری از اعتیاد فرزندان به مواد مخدر.

باتوجه به یافته های پژوهش نمره اولویت ۱۳ نیاز آموزشی کمتر از ۲ بود که نشان می دهد زنان در زمینه این موضوعات به آموزش نیازی ندارند. ۵ نیاز آموزشی با کمترین نمره از این نوع عبارت اند از: ۱- توجه نشان دادن و ابراز علاقه کردن به فرزندان، ۲- آموزش پوشش اسلامی به فرزندان، ۳- برقراری رابطه دوستانه با فرزندان، ۴- خرید وسایل الکترونیکی (مثل موبایل، تبلت، رایانک و....) متناسب با سن فرزندان، ۵- تقویت روحیه مشارکت و کار گروهی در فرزندان. نمودار ۲، مقایسه میانگین توانایی و میانگین اهمیت نیازهای آموزشی زنان را نشان می دهد.



نمودار ۲: مقایسه میانگین توانایی و میانگین اهمیت نیازهای آموزشی زنان

نمودار ۲ نشان می دهد در تمامی نیازهای آموزشی بررسی شده، میانگین اهمیت هر یک از موضوعات آموزشی بیشتر از میانگین توانایی و مهارت زنان در آن زمینه است.

۲- نیازهای زیستی، تعلق، رشد و سواد اطلاعاتی فرزندان از دیدگاه زنان و متخصصان برای آموزش در دوره والدگری بر مبنای مدل تجزیه و تحلیل کوادرنانت چیست؟

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، نیازهای آموزشی زنان برای دوره والدگری از دیدگاه زنان و متخصصان با استفاده از مدل تحلیل کوادرنانت فهرست شده اند.

جدول ۴: ربع ۱، نیازهای آموزشی از دیدگاه زنان و متخصصان با استفاده از مدل تحلیل کوادرنانت

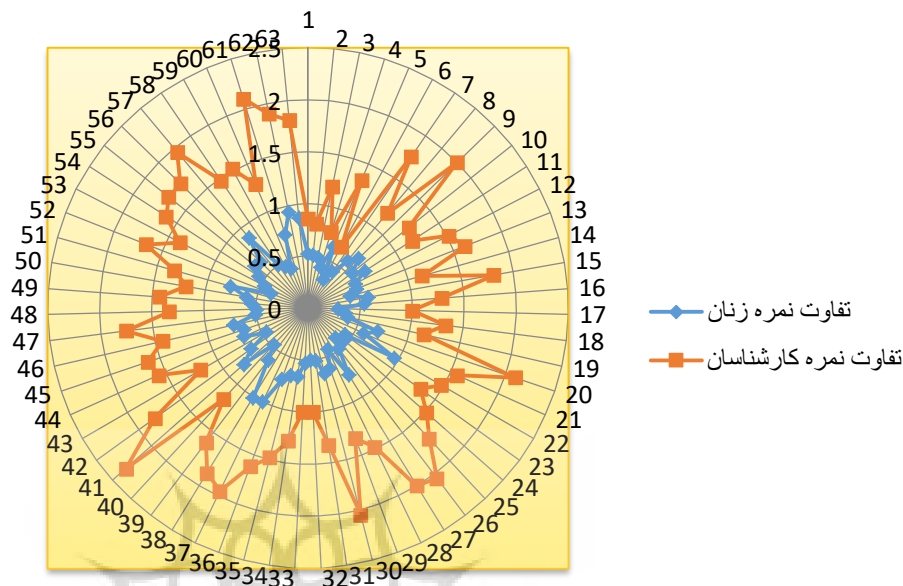
I - C **	I' - C' *	نوع نیاز	نیازهای آموزشی
۰,۸۲	۲,۳۳	رشد	توانایی آموزش «نه» گفتن به فرزندان
۰,۷۴	۲,۱۰	سواد اطلاعاتی	مهارت در برطرف کردن اعتیاد فرزندان به فضای مجازی
۰,۷۱	۲,۱۰	تعلق	توانایی برخورد صحیح با هیجان‌ات فرزندان (مثل خشم، ترس و ...)
۰,۶۵	۲,۰۵	تعلق	توانایی برخورد مناسب در زمینه ارتباط فرزندان با جنس مخالف
۰,۶۸	۲,۰۰	زیستی	شناخت تربیت جنسی فرزندان
۰,۷۵	۲,۰۰	تعلق	مهارت در پیشگیری از اعتیاد فرزندان به مواد مخدر
۱,۰۰	۱,۹۵	رشد	توانایی شناخت استعداد فرزندان برای انتخاب رشته تحصیلی
۰,۸۸	۱,۹۵	سواد اطلاعاتی	کسب مهارت‌های مناسب برای نظارت بر استفاده مطلوب فرزندان از اینترنت
۰,۹۴	۱,۹۰	سواد اطلاعاتی	توانایی تشخیص سایت‌های مناسب و معتبر از سایت‌های غیر معتبر برای فرزندان
۱,۰۱	۱,۸۶	رشد	توانایی شناخت استعداد فرزندان برای انتخاب شغل
۰,۵۹	۱,۸۱	زیستی	رعایت و تنظیم ساعت خواب و استراحت فرزندان
۰,۶۷	۱,۸۱	رشد	تقویت روحیه انتقادپذیری و تحمل آرای دیگران در فرزندان
۰,۸۷	۱,۸۱	سواد اطلاعاتی	توانایی یافتن منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی حاوی اطلاعات لازم برای فرزندان
۰,۶۵	۱,۷۱	سواد اطلاعاتی	توجه به آسیب‌های اخلاقی فضای مجازی
۰,۶۳	۱,۷۱	سواد اطلاعاتی	توجه به آسیب‌های اجتماعی فضای مجازی
۰,۶۵	۱,۶۲	رشد	توانایی تربیت فرزندان مسئولیت‌پذیر
۰,۷۳	۱,۶۲	رشد	تقویت خودباوری در فرزندان
۰,۶۳	۱,۶۲	رشد	توانایی آموزش نحوه پس‌انداز و خرج کردن پول به فرزندان
۰,۵۶	۱,۶۲	سواد اطلاعاتی	توجه به آسیب‌های جسمی و فیزیکی وسایل ارتباطی نوین مانند موبایل و تبلت و ...
۰,۵۹	۱,۵۷	تعلق	آموزش معیارهای انتخاب دوست به فرزندان
۰,۶۷	۱,۵۷	رشد	به‌کارگیری روش‌های مناسب تنبیه فرزندان

* تفاوت مهارت و اهمیت هریک از نیازها از دیدگاه متخصصان ** تفاوت مهارت و اهمیت هریک از نیازها از دیدگاه زنان

۲۱ نیاز آموزشی مطرح شده در جدول ۴ از مهم‌ترین اولویت‌های آموزشی بوده که در ربع اول قرار گرفته‌اند و اختلاف نمره بالا بین سطح اهمیت و میزان توانایی و عملکرد را هم برای زنان و هم برای متخصصان داشته‌اند.

مهم‌ترین نیازهای آموزشی که از دید زنان و متخصصان در ربع‌های ۲ و ۳ قرار گرفتند، عبارت‌اند از «توانایی راهنمایی فرزندان برای انتخاب همسر، زمینه‌سازی برای استقلال و عدم وابستگی فرزندان، ایجاد اعتماد به نفس در فرزندان، توانایی استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، آموزش رعایت قوانین و مقررات اجتماعی به فرزندان، مهارت هم‌بازی شدن با فرزندان و آموزش ساده‌زیستی و پرهیز از مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی فرزندان». همان‌طور که گفته شد، این نیازها جزو اولویت‌های آموزشی نیست، ولی به تقویت و آموزش بیشتر نیاز دارند. پنج نیاز آموزشی که از دید زنان و متخصصان در ربع ۴ قرار گرفتند عبارت‌اند از: «توجه نشان‌دادن و ابراز علاقه کردن به فرزندان، آموزش پوشش اسلامی به فرزندان، توجه به تأثیر ماهواره بر مد و مدگرایی، به‌کارگیری اصول بهداشتی دین اسلام، تقویت روحیه مشارکت و کار گروهی در فرزندان».

این موارد موضوعاتی هستند که زنان برای تربیت و پرورش فرزندان خود در اجرای آنها دانش، توانایی و قابلیت لازم را از خود نشان داده و برای انجام آنها به آموزش نیاز نداشته‌اند. مقایسه تفاوت نمره نیازهای آموزشی زنان و متخصصان در تمامی مؤلفه‌ها در نمودار ۳ نشان داده شده است.



نمودار ۳: مقایسه تفاوت نمره نیازهای آموزشی زنان و متخصصان

نمودار ۳ نشان می‌دهد تفاوت نمره نیازهای آموزشی از دیدگاه متخصصان بیشتر از تفاوت نمره نیازهای آموزشی از دیدگاه زنان است. به‌طور کلی یافته‌های حاصل از مدل کوادرات نشان می‌دهد ۲۱ نیاز آموزشی در ربع اول، ۱۳ نیاز آموزشی در ربع دوم، ۹ نیاز آموزشی در ربع سوم و ۲۰ نیاز آموزشی در ربع چهارم قرار دارند.

۳- مقایسه یافته‌های حاصل از مدل بورپچ و مدل تحلیل کوادرات چه نتایجی را نشان می‌دهد؟

به‌منظور مشخص کردن نقاط اشتراک دیدگاه زنان و کارشناسان در زمینه نیازهای آموزشی والدگری در این قسمت به مقایسه نتایج حاصل از دو مدل بورپچ و کوادرات پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از مقایسه یافته‌های پرسش ۱ و ۲ پژوهش نشان می‌دهد از ۲۱ نیاز آموزشی در ربع اول مدل کوادرات، ۱۶ نیاز بر ۲۱ اولویت اول مدل نیازسنجی بورپچ از دید زنان منطبق است. همچنین از ۲۰ نیاز آموزشی در ربع چهارم مدل کوادرات، ۱۴ نیاز بر ۲۰ اولویت آخر مدل نیازسنجی بورپچ از دید زنان منطبق است. ضمن اینکه نمودار ۳ نیز نشان می‌دهد با کم یا زیاد شدن نمره اولویت نیازهای آموزشی از دیدگاه زنان، نمره اولویت از دیدگاه متخصصان نیز کم یا زیاد می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت متخصصان حوزه تربیت خانواده و زنان دید یکسانی درباره نیازهای آموزشی دارند که این نشان‌دهنده شناخت صحیح متخصصان حوزه تربیت خانواده از نیازهای آموزشی زنان شهرستان کاشان است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی این پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی زنان شهرستان کاشان برای دوره والدگری با استفاده از مدل نیازسنجی بوریچ و تطبیق آن با دیدگاه متخصصان و کارشناسان با استفاده از مدل تحلیل کوادرنانت بوده است. با بررسی یافته‌های پژوهش، برگزاری دوره والدگری برای زنان دیپلمه با سرفصل‌های نیازهای آموزشی اولویت‌بندی شده لازم است. این موضوع هم‌راستا با پژوهش‌های تاج‌آبادی و کارگریان (۱۳۹۴)، اکرمی و همکاران (۱۳۹۴)، بهرامی و اعتمادی (۱۳۹۱)، ترنو و همکاران (۲۰۰۷) و پاملا و دیویس (۲۰۰۵) است؛ زیرا آنان دریافتند مادران در زمینه والدگری و تربیت فرزندان خود به آموزش نیاز دارند و افزایش تحصیلات مادر موجب افزایش عملکرد صحیح فرزندان می‌شود؛ بنابراین وجود آموزش‌های مدون لازم است.

اولویت‌بندی نیازهای آموزشی از دیدگاه زنان با استفاده از مدل بوریچ نشان داد زنان درباره نیازهای زیستی فرزندان به آموزش‌هایی در زمینه بهداشت جسمی و روانی نیازمند هستند که مسائل مربوط به تربیت جنسی و دوران بلوغ باید مدنظر قرار گیرد. همچنین دیدگاه زنان در زمینه نیازهای تعلق بیشتر به فراگیری مهارت‌های ارتباط مؤثر و هدایت فرزندان برای زندگی آینده معطوف است. ناآگاهی والدین به‌ویژه زنان در امر هدایت تحصیلی فرزندان و به‌دنبال آن انتخاب شغل مناسب، سبب شده است که این مسئله از دیدگاه زنان در صدر نیازهای آموزشی آنان برای برآوردن نیازهای رشد فرزندان قرار گیرد. در نهایت، با توجه به رشد روزافزون علم و دانش، لازم است زنان سواد اطلاعاتی خود را به‌روز کنند و مهارت‌های لازم را در زمینه فناوری‌های نوین ارتباطی کسب کنند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد زنان در اجرای موارد مذکور با نقص و کمبود مواجه هستند و به آموزش در زمینه این نیازهای آموزشی در برنامه‌های آموزشی دوره والدگری نیاز دارند. پژوهش‌های کاویانی‌فر و احمدی وفا (۱۳۹۶)، حسین و اسلام (۲۰۱۲)، بیکر (۲۰۱۱) و بوکینگام و همکاران (۲۰۰۴) هم‌خوان با نتایج تحقیق حاضر است؛ زیرا آنان نشان دادند نیاز فناوری آموزشی و سواد اطلاعاتی یکی از مهم‌ترین نیازهای آموزشی است که باید مهم تلقی شود.

بر اساس تفاسیر ارائه‌شده، یافته‌های مدل تجزیه و تحلیل کوادرنانت که از منظر زنان و متخصصان به دست آمده است، نشان می‌دهد زنان و مادران در دوره والدگری به آموزش ضروری در ۲۱ نیاز آموزشی از ۶۳ نیاز آموزشی بررسی شده نیاز دارند. آنان در زمینه به‌کارگیری دستورات اسلام در خصوص حجاب و پوشش اسلامی، دانش و مهارت‌های لازم را برای برآوردن نیازهای زیستی فرزندان خود دارند؛ اما در زمینه بهداشت جسمی، روحی و همچنین تربیت جنسی نیازمند آموزش‌های بیشتری هستند. همچنین نیازهای آموزشی در زمینه مهارت‌های اجتماعی و تعامل با افراد از اولویت آموزشی بسیاری برخوردارند و باید سخت‌بدان توجه داشت. در واقع، نتایج این تحلیل نشان داد زنان در زمینه نیازهای رشد فرزندان خود به آموزش‌هایی در باب هدایت فرزندان به رشته و شغل مناسب نیاز دارند. آنها باید بتوانند حس خودباوری را در فرزندان تقویت کنند و با پرورش فرزندانی مسئولیت‌پذیر، نحوه مدیریت امور اقتصادی و مالی را آموزش دهند؛ بنابراین کسب دانش لازم در این

زمینه‌ها برای زنان ضروری است تا نقش خود را به بهترین وجه ایفا کنند. همچنین برای حفظ و سلامت خانواده از آسیب‌های فناوری‌های نوین لازم است آموزش‌های لازم را در این زمینه کسب کنند. در واقع نیازهای مطرح‌شده در ربع ۱، بدان معناست که این نیازهای آموزشی از نظر هر دو گروه، از طرفی بیشترین میزان اهمیت و ضرورت را داشته است و از سوی دیگر زنان در انجام آنها در رابطه با والدگری با نقص و کمبود مواجه بوده‌اند و توانایی و قابلیت‌های لازم را برای اجرای این موضوعات ندارند. پژوهش‌های ملایی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) و چراغی و همکاران (۱۳۹۶) و نبوی و اسماعیلی (۱۳۹۵) با نتایج پژوهش حاضر همسوست؛ زیرا ایشان نیز دریافتند نیازهای بهداشتی، تغذیه و نیازهای روانی از اولویت ویژه‌ای در حوزه سلامت جسمی و روانی فرزندان برخوردارند. بنابراین برگزاری آموزش‌های مدون گام مهمی در برقراری سلامت جسمی و روانی فرزندان محسوب می‌شود و از نیازهای آموزشی مادران است. همچنین نتایج این تحقیق درباره تربیت جنسی با پژوهش‌های حسن پورازغدی و امیری فراهانی (۱۳۹۶) و نظری (۱۳۹۵) همسوست؛ زیرا آنها نیز دریافتند تدوین محتوای آموزشی مناسب درباره تربیت جنسی و ازدواج فرزندان لازم است.

به‌علاوه، ۲۲ نیاز آموزشی در ربع ۲ و ۳ کوادرانت، به آموزش ضروری نیازی نداشته‌اند، اما باید درون برنامه‌های درسی دوره والدگری مورد بحث، تقویت و تلفیق قرار گیرند. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، نیازهای آموزشی توانایی راهنمایی فرزندان برای انتخاب همسر، زمینه‌سازی برای استقلال و عدم وابستگی فرزندان، ایجاد اعتمادبه‌نفس در فرزندان، توانایی استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، آموزش رعایت قوانین و مقررات اجتماعی به فرزندان، مهارت هم‌بازی شدن با فرزندان، آموزش ساده‌زیستی و پرهیز از مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی فرزندان از مهم‌ترین نیازهای آموزشی بودند که از زنان و متخصصان در ربع ۲ و ۳ جدول کوادرانت قرار گرفتند. پژوهش‌نقاش (۱۳۷۳) با این نتایج هم‌راستاست؛ زیرا وی دریافت که والدین از مسائل تربیتی فرزندان اطلاعات خوبی دارند، اما آنها به اطلاعات دقیق‌تری در این زمینه نیاز دارند. همچنین پژوهش‌های منتظر قائم و حاجی کاظم پهرانی (۱۳۹۳) و حکیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) همسو با تحقیق حاضر است؛ زیرا آنان نشان دادند آموزش سواد رسانه‌ای مادران، مسائل نوپدید و فناوری‌های نوین از نیازهای آموزشی آنان است و باید جزو برنامه‌های آموزشی قرار گیرند. ۲۰ نیاز آموزشی که در ربع ۴ مدل کوادرانت طبقه‌بندی شدند، نیازهایی بودند که زنان در اجرای آنها دارای توانایی و قابلیت‌های لازم بوده و برای انجامشان به آموزش نیاز نداشتند. زنان در زمینه توانمندی ایجاد رفتارهای خوب در فرزندان، توانایی برقراری رابطه دوستانه با فرزندان، مهارت در برقراری ارتباط کلامی با فرزندان، آموزش مهارت برقراری ارتباط مناسب فرزندان با دیگران، آموزش عادت‌های غذایی صحیح طبق موازین اسلام به فرزندان، توانایی در رعایت انصاف و عدالت بین فرزندان، استفاده از شیوه‌های صحیح تشویق فرزندان، توانایی ایجاد حس امنیت و آرامش در فرزندان، ایجاد همدلی و محیط گرم و صمیمی در خانواده به آموزش نیازی ندارند. در واقع نتایج اختلاف پایین را بین سطح اهمیت و سطح عملکرد هم برای زنان و هم برای متخصصان در این موارد نشان می‌دهد.

همچنین، مقایسه نتایج از حاصل از مدل بوریچ و مدل تحلیل کوادرنانت به منظور تطبیق دیدگاه زنان و متخصصان مشخص کرد که زنان و متخصصان دیدگاه یکسانی درباره نیازهای آموزشی دوره والدگری دارند. در واقع باتوجه به همسانی تقریبی حاصل از این دو مدل می‌توان چنین برداشت کرد که متخصصان شناخت نسبتاً درستی از نیازهای آموزشی زنان برای دوره والدگری دارند. در راستای نتایج این پژوهش و برای دستیابی به وضعیت مطلوب، یعنی شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی زنان دیپلمه شهرستان کاشان برای برگزاری دوره والدگری، به گونه‌ای که این زنان دارای توانایی‌ها، قابلیت‌ها و صلاحیت‌های لازم و کافی برای انجام این نیازها باشند، اقدامات و پیشنهادهای زیر توصیه می‌شود:

- لازم است فهرست نهایی نیازهای آموزشی تأییدشده، مبنایی برای طراحی، تدوین، اجرا، ارزشیابی و همچنین ارتقای برنامه‌های درسی دوره والدگری قرار گیرد.

- فهرست نیازهای آموزشی که در این پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی شده‌اند، به منزله راهنمایی برای دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی که برنامه‌های درسی دوره را برای زنان دیپلمه تدارک می‌بینند، در نظر گرفته شود.

- نیازهای آموزشی که از نظر سطح اهمیت و عملکرد از دید زنان و متخصصان اختلاف نمره بالایی داشته‌اند، نشان‌دهنده نقص و ناتوانی زنان در اجرای آنها بوده است؛ بنابراین باید به منزله اولویت‌های آموزشی در برنامه‌های درسی دوره والدگری مطرح شوند.

- در برنامه درسی دوره والدگری دروس نظری- عملی طراحی شود تا با آموزش مهارت‌های عملی، بر آموزش عملیاتی و مؤثر تأکید بیشتری شود تا بتوان یادگیری زنان را برای دستیابی به مهارت‌های بیشتر تسهیل کرد.

- باتوجه به نتایج پژوهش در مؤلفه نیازهای زیستی، ارائه دروس «هدایت و تربیت جنسی فرزندان»، «برنامه‌ریزی اوقات فراغت فرزندان»، «بهداشت و کمک‌های اولیه»، «نیازها و مسائل بلوغ» برای دوره والدگری پیشنهاد می‌شود.

- نظر به یافته‌های تحقیق در مؤلفه نیازهای وابستگی (تعلق)، ارائه دروس «خانواده و ازدواج فرزندان»، «مهندسی ارتباط با دیگران»، «مدیریت هیجانات» و «مواد مخدر و پیامدهای آن» برای دوره والدگری پیشنهاد می‌شود.

- باتوجه به نتایج تحقیق در مؤلفه نیازهای رشد، ارائه دروس «برنامه‌ریزی و هدایت تحصیلی فرزندان»، «استعدادیابی و شناخت استعدادهای شغلی فرزندان»، «اقتصاد خانواده» و «مهارت‌های افزایش اعتمادبه‌نفس» برای دوره والدگری پیشنهاد می‌شود.

- باتوجه به یافته‌های پژوهش در مؤلفه نیازهای سواد اطلاعاتی، ارائه دروس «مبانی و کاربرد فضای مجازی»، «آشنایی با جستجوگرها و منابع اطلاعاتی»، «آسیب‌شناسی فناوری‌های نوین ارتباطی» و «تربیت اسلامی، خانواده و فناوری اطلاعات» برای دوره والدگری پیشنهاد می‌شود.

- از آنجاکه هر پژوهشی دارای محدودیت‌هایی است که شاید غیرقابل پیش‌بینی و گریز ناپذیر باشند، پژوهش حاضر نیز از این امر برکنار نیست؛ بنابراین یادآور می‌شود این پژوهش در شهر کاشان انجام شده است، در تعمیم نتایج آن به شرایط دیگر باید به تشابه موقعیت‌ها توجه داشت. همچنین، قسمت اصلی جامعه آماری محدود به زنان دیپلمه است، پس در تعمیم نتایج برای زنان با تحصیلات دیگر، جانب احتیاط باید رعایت شود.

تشکر و قدردانی

در پایان از تمامی زنان و مادران، همچنین کارشناسان و متخصصانی که پژوهشگران را در انجام این تحقیق یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- آجیلی مبردی، کتابیون؛ حسن‌پور ازغدی، سیده بتول وامیری فرهانی، لیللا (۱۳۹۶). آگاهی و نگرش مادران نسبت به تربیت جنسی کودکان پیش دبستانی، **نشریه پرستاری ایران**، ۱۰۶، ۴۵ - ۳۵.
- احمدوند، مصطفی و احمدی کیش، علی اصغر. (۱۳۹۵). نیازسنجی آموزشی پرورش دهندگان قزل‌آلای رنگین کمان در شهرستان بویراحمد، **فصل‌نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی**، ۳۷(۲)، ۱۳۰ - ۱۱۹.
- اربعین، رؤیا و زرافشانی، کیومرث. (۱۳۹۰). بررسی نیازهای آموزشی گلخانه‌داران سبزی و صیفی استان کرمانشاه براساس مدل بورپیچ و تحلیل کوادرنانت، **فصل‌نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی**، ۱۸(۳)، ۷۷ - ۶۷.
- اکرمی، زینب؛ اکرمی، مسلم و اکرمی، زهرا. (۱۳۹۴). بررسی نیاز به مشاوره و آموزش مادران در تعلیم و تربیت اسلامی فرزندان، **دومین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی، روان‌شناسی، مشاوره و آموزش در ایران**، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- بخشی، نگین و خرمایی، فرهاد. (۱۳۹۷). چالش‌های والدین در آموزش جنسی به فرزندان: یک مطالعه کیفی، **مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت**، ۷(۳)، ۲۳۹ - ۲۲۷.
- به‌پژوه، احمد. (۱۳۸۹). نقش آموزش و مشاوره خانواده در شکل‌گیری خانواده متعالی. **پیوند**، ۳۷۴، ۱۳ - ۹.
- بهرامی، فاطمه و اعتمادی، عذرا. (۱۳۹۱). رشد تحصیلات زنان در ایران به عنوان الگویی از زنان مسلمان، **سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده، گردآوری و تدوین دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی**، تهران: پیام عدالت، ۳۵ - ۴۴.
- تاج‌آبادی هرات، جعفر و کارگریان مروسی، طیبه. (۱۳۹۴). نقش سواد والدین و آموزش خانواده بر شیوه‌های فرزندپروری و تربیت دانش‌آموزان، **همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی**، استانبول، مؤسسه سفیران فرهنگی مبین.
- چراغی، فاطمه؛ روستایی، زهره؛ عسگری، محمد؛ شمسایی، فرشید و تاپاک، لیلی. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش نقش والدی بر نگرش مادران دارای کودکان ۵-۱ ساله نسبت به سوءرفتار با کودک، **آموزش بهداشت و ارتقای سلامت**، ۵(۳)، ۱۹۰ - ۱۸۲.
- حکیم‌زاده، رضوان؛ میرزا بیگی، محمدعلی و رسولی سقایی، مقصود. (۱۳۹۳). نیازسنجی آموزشی برنامه‌های آموزش خانواده برای اولیای دانش‌آموزان ناحیه یک تبریز، **فصل‌نامه آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)**، ۲۶، ۲۴ - ۷.
- رایینز، استفان. پی. (۱۹۹۸). **مبانی رفتار سازمانی: مفاهیم، نظریه‌ها و برنامه‌های کاربردی**، ترجمه علی پارسیان و محمد اعرابی (۱۳۸۶)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- سعادت‌مند، زهره (۱۳۹۱). مشارکت خانواده در برنامه‌های آموزشی و تربیتی خانواده، **پیوند**، ۳۹۷، ۳۲ - ۲۸.
- شجاعت، علی و عرفانی، محمدنظیر. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی فضای مجازی در تعلیم و تربیت کودکان، **فصل‌نامه چندزبانه علمی - اختصاصی Pure Life**، ۱۶، ۶۴ - ۴۷.
- شهریاری، عزت؛ سعادت‌مند، زهره؛ فاتحی‌زاده، مریم‌سادات و محققیان، شهناز. (۱۳۹۲). بررسی نیازهای آموزشی زنان سرپرست خانوار شاغل فرهنگی آموزش و پرورش، **فصل‌نامه علمی - پژوهشی زن و جامعه**، ۴ (۳)، ۴۵ - ۲۹.
- صادقی فسایی، سهیلا و خادمی، عاطفه. (۱۳۹۵). فراتحلیل پژوهش‌های بعد از انقلاب اسلامی در موضوع آموزش زنان، **راهبرد فرهنگ**، ۳۳، ۱۹۹ - ۱۷۱.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). **مکارم الاخلاق**، قم: شریف رضی.
- عصاره، علیرضا؛ سراج خرمی، ناصر؛ برومند نسب، مسعود و حزین، نسیم. (۱۳۹۰). شناسایی نیازهای فرهنگی آموزشی و پژوهشی دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، **یافته‌های نو در روان‌شناسی**، ۲۱، ۴۷ - ۶۴.
- کاویانی‌فر، سحر و احمدی‌وفا، لیلی‌سادات. (۱۳۹۶). واکاوی شیوه‌های فرزندپروری در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی مجازی، **سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی**، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، شیراز، مرداد ۱۳۹۶.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**، ج ۲۴، قم: دارالکتب اسلامیه.
- ملایی‌نژاد، اعظم؛ زین‌آبادی، حسن‌رضا؛ کیامنش، علیرضا و عباسیان، حسین (۱۳۹۶). نیازهای آموزشی والدین دانش‌آموزان دوره ابتدایی در حوزه سلامت جسمانی، **فصل‌نامه تعلیم و تربیت**، ۱۳۲، ۹۱ - ۶۹.
- ملکی، حسن. (۱۳۸۸). **برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)**، تهران: مدرسه.
- منتظر قائم، مهدی؛ حاجی کاظم طهرانی، فاطمه (۱۳۹۳). سواد رسانه‌ای و شیوه‌های نظارتی مادران بر مصرف تلویزیون‌های ماهواره‌ای نوجوانان، **رسانه**، ۲۰ (۴)، ۴۴ - ۱۹.
- نادری مهکی، فرنگیس. (۱۳۸۹). بیست راهکار تربیتی برای رفتار با فرزندان، **پیوند**، ۳۶۹، ۵۵ - ۵۴.
- نوی، سید صادق و اسماعیلی، علی. (۱۳۹۵). بررسی نیازهای آموزشی اولیای دانش‌آموزان دوره ابتدایی در زمینه مسائل تربیتی فرزندان جهت آموزش خانواده، **فصل‌نامه مطالعات پیش‌دبستان و دبستان**، ۱ (۴)، ۱۰۸ - ۸۳.
- نظری، علی‌محمد. (۱۳۹۴). تأثیر برنامه‌های آموزش خانواده بر فرزندپروری والدین: یک مطالعه فراتحلیل، **مشاوره کاربردی**، ۵ (۱)، ۹۴ - ۸۱.
- نقاش، فاطمه. (۱۳۷۳). **نیازهای آموزشی والدین فرهنگی برای تربیت فرزندان در شهرستان گرمسار**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش.
- نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۲). **سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان**، تهران: انجمن اولیا و مربیان.

- Borich, G.D. (۱۹۸۰). A needs assessment model for conducting follow- up studies, *Journal of Teacher Education*, ۳۱(۳), ۳۹-۴۲.
- Buckingham, S. Marandet, E. Smith, F. & Wainwright, E. (۲۰۰۴). *The training needs of women with children under five*. London: Brunel University.
- Chou, C. lee, Y. H. (۲۰۱۷). The moderating effects of internet parenting styles on the relationship between internet parenting behavior, internet expectancy, and internet addiction tendency. *Asia-Pacific Edu Res*, ۲۶(۳-۴), ۱۳۷-۱۴۶.
- Conklin, I. N. L. L. Hook, J. B. Kelbaugh, & D. R. Nieto. (۲۰۰۳). Identifying needs of extension personnel: A comprehensive model. *Proceedings of the 14th*. ۱۵۰-۱۵۸.
- Davidson, EJ, (۲۰۰۵). *Evaluation methodology basics: The nuts and bolts of sound evaluation*, Sage, Thousand Oaks, California.
- Hebert. C.G, Kulkin. H. (۲۰۱۸). An investigation of foster parent training needs, *Child & Family Social Work*, ۲۳ (۲), ۲۵۶ -۲۶۳.
- Feinstein, L. Sabates, R. (۲۰۰۶). Does education have an impact on mothers' educational attitudes and behaviours? Wider benefits of learning research report. *Centre for Research on the Wider Benefits of Learning, Institute of Education*, University of London: London. ۱۶.
- Gable, R. K. Pechone, R. L. & Gillung, T. B. (۱۹۸۱). A need assessment model for establishing personnel training priorities, *Teacher Education and Special Education*. ۲۵(۴), ۳۸-۴۴.
- Hossain, A. & Islam, S. (۲۰۱۲). Information needs of rural women: A study of three villages of Bangladesh. *Library Philosophy and Practice*, ۱-۱۶.
- Lin, C.H. & Wiley, A. R. (۲۰۱۷). The relationship of relative child care and parenting behaviors in fragile families. *Children and Youth Services Review*, ۸۲, ۱۳۰- ۱۳۸.
- Louis M. Smith and Wilma w. (۱۹۹۷). *Urban parent education: Dilemmas and resolutions (qualitative studies on schools and schooling)*. Cresskill, N. J.: Hampton Press.
- McClelland S. (۱۹۹۲). A systems approach to need assessment. *Training and Development*. ۴۶(۸), ۵۱ - ۵۴.
- Mfadi, I. H. (۲۰۰۱). *A needs assessment of professional competencies of Jordanian vocational secondary teachers*, Thesis for Degree of Doctor of Philosophy. University of Nebraska-Lincoln.

- Mulroy, E. A. (۲۰۰۸). Community Need Assessment in: Terry Mirahi and Larryy, E. Davis. (Ed) *Encyclopedia of social work*. Oxford university press.
- Pamela E. Davis-Kean. (۲۰۰۵). The influence of parent education and family income on child achievement: The indirect role of parental expectations and the home environment. University of Michigan: *Journal of Family Psychology Copyright*, ۱۹ (۲), ۲۹۴-۳۰۴.
- Regha, V. S. & Rani, B. S. (۲۰۱۶). Analysis of the dimensions of information literacy competency. *Journal of Current Trends in Library and Information Science*, ۱(۱& ۲), ۶-۹.
- Reviere, R. (۲۰۰۱). *Introduction setting the stage in need assessment: A creative and practical guide for social scientists*, USA: Taylor & Francis Science Publication.
- Robinson KH, Smith E, Davies C. (۲۰۱۷). Responsibilities, tensions and ways forward: Parents' perspectives on children's sexuality education. *Journal Sex Education Sexuality, Society and Learning*, ۱۷(۳): ۳۳۳-۴۷.
- Szapocznik, J. Hervis, O. & Schwartz, S. J. (۲۰۰۳). *Brief strategic family therapy for adolescent drug abuse*. Bethesda, MD: National Institute on Drug Abuse.
- Thomas, E. Davies, B. (۲۰۰۶). Nurse teachers' knowledge in curriculum planning and implementation, *Nurse Educ Today*, ۲۶(۷), ۵۷۲-۵۷۷.
- Turner, K. M. Richards, M. Sander, M. R. (۲۰۰۷). Randomised clinical trial of a group parent education programme for Australian indigenous families, *Journal of Paediatrics and Child Health*, ۴۳(۶), ۴۲۹- ۴۳۷.
- Witkin, B. R. (۱۹۸۴). *Assessing need in educational and social Programs*. SanFrancisco: Jossey – Bass.